



غذا که تمام شد، سراغ پویش بعدی رفتیم که شامل جمع آوری کمک‌های ارزاقی مانند پتو، کنسروجات، روغن، برنج، حبوبات، مواد بهداشتی و شوینده‌ها بود. خوشبختانه در این باره هم استقبال زیادی شد، طوری که الان مجبوریم برای اینکه جا کم نیاوریم، به تدریج محصولات را بفروستیم. اندازه کمک در همدلی معنایی ندارد، مهم همان قدم گذاشتن در این مسیر است. مسئول فرهنگی مکتب نرجس (س) می‌گوید: کمک‌ها از یک بسته نمک و ادویه بوده است تا ۱۰ کیسه برنج. همه در کنار هم حضور به هم رساندند. اینجا مصداق همان جمله معروف است که همدلی از هم‌زبانی بهتر است.

اهدای حلقه ازدواج تازه عروس

کمک‌ها همین‌جا تمام نمی‌شود و ادامه دارد. جمع‌آوری حدود ۶۵ میلیون تومان وجه نقد و همچنین دریافت طلا و سکه از دیگر همدلی‌هایی است که در مکتب نرجس (س) تا کنون صورت گرفته است. جلالی در این باره توضیح می‌دهد: دریافت نقد هر روز در مکتب نرجس (س) برای کمک به غزه و لبنان صورت می‌گیرد. ما واریز وجه نقد و طلا در مشت بسته و بدون آنکه حرفی زده شود و نامی برده شود زیاد داریم.

گوشواره، انگوهایی که انگار سال‌ها در دست بوده است، دستبندی براق و زیبا و حلقه‌های ازدواجی که خاطرات زیادی را با خود همراه دارد، در قاب عکس می‌نشینند و قرار است به سرزمینی دیگر بروند. جلالی می‌گوید: یکی از این حلقه‌ها هدایای دختری جوان است که تازه ازدواج کرده است. او به سه انگوه اشاره می‌کند و می‌گوید: این انگوها هم قصه مردی را به همراه دارند که آن‌ها را دوست داشته و هیچ‌وقت اجازه فروششان را به همسرش نداده است. اما وقتی خانم گفته است دوست دارم آن‌ها را به مردم غزه اهدا کند، موافقت کرده و مهر تأیید به کار خیرخواهانه همسر زده است. این پویش در مکتب نرجس (س) همچنان ادامه دارد. از برنامه‌های دیگری که به نفع غزه و لبنان در مکتب نرجس (س) قرار است برگزار شود، برگزاری همایش بزرگی با موضوع نقش طلبه انقلاب اسلامی در جبهه مقاومت است که در حال آماده‌سازی پوستر آن هستند.



فرهنگی را به هم می‌زند. جلالی می‌گوید: باورمان نمی‌شد این همه استقبال در یک صبح تا ظهر باشد.

فراخوان اقلام غذایی

جشنواره غذا که تمام می‌شود، تازه کار شروع می‌شود. جلالی می‌گوید: در مکتب نرجس (س) همدلی حرف اول را می‌زند. جشنواره

طبخ غذاهای متنوع و خوشمزه رنگ دیگری به این همدلی دادند. قیمت غذاها را پایین در نظر می‌گیرند تا افراد بیشتری در این پویش شرکت کنند. جلالی در باره مبلغ جمع‌آوری شده می‌گوید: وقتی برشورها به دست مسئولان، استادان و دانشجویان مکتب نرجس (س) رسید، تخمین فروش حدود ۲۰۵ میلیون تومان بود. فروش غذا هم به این شکل بود که بن‌های ۳۰ هزار تومانی که امکان خرید ۵۰ هزار تومان داشتند، بین شرکت‌کنندگان توزیع شده بود. در نهایت، فروش ۷ میلیونی جشنواره غذا تمام تخمین‌های مسئولان

از پول نقد تا سرویس طلا

سراغ بزرگ ترها هم می‌روم. خانم حسینی همراه خودش چادر و جانماز آورده است. او قرار است بخشی از سود خودش را هدیه کند. می‌گوید: «من فقط هزینه مواد اولیه را برمی‌دارم و الباقی را هدیه می‌کنم.» خانم دیگری که ادویه دست‌ساز دارد هم همین نیت را کرده که سودش را به زنان مظلوم فلسطینی هدیه کند.

بانی بازارچه، حاج خانم وافی است که مدیریت مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی صدف عفاف و مدرسه عالی مادران را برعهده دارد. او در باره هدف برگزاری این محفل خیرخواهانه می‌گوید: «در پاسخ به فرمان حمایت همه‌جانبه از جریان مقاومت در لبنان و فلسطین که از سوی رهبر معظم انقلاب صادر شد، ما هم با برپایی یک بازارچه گام بسیار کوچکی در این مسیر برداشتیم. این بازارچه ویژه بانوان و با همکاری صمیمانه خانواده متعهد و دغدغه‌مند مصطفوی در مکان حسینیه امام جواد (ع) یک‌روزه و به مدت پنج ساعت برگزار شد. حدود سی‌گروه از بانوان محصولات و فرآورده‌های خود را در معرض فروش قرار دادند و تمام یا بخشی از سود فروش خود را به جبهه مقاومت هدیه کردند.»

حاج خانم وافی خاطر نشان می‌کند: «جمع‌کنیری از این بازارچه بازدید و خرید داشتند و آنجا که برگزاری این رویداد مصادف با شب ولادت حضرت زینب (س) بود، تعدادی از پرستاران عزیز به این مکان دعوت شده بودند که طی مراسمی از آنان قدردانی شد و هدیه‌ای به ایشان تقدیم شد.»

گفتنی است که حاصل این بازارچه یک‌روزه، هدیه بیش از ۱۱ میلیون تومان سود حاصل از فروش محصولات به علاوه مبلغ ۱۰ میلیون تومان پول نقد اهدایی بود. همچنین چهار حلقه انگشتر و یک سرویس طلا از سوی بانوان تقدیم راه مقاومت شد. البته تعدادی لباس گرم برای سنین مختلف و چند تخته پتوبه مردم عزیز غزه نیز اهدا شد.

فاطمه بختیاری اگر بگویم هر که هر چه داشته را آورده است، گزاف نگفته‌ام، گواه حرفم صدف‌های دخترک شش‌ساله‌ای است که روی آن‌ها پرچم ایران و فلسطین را نقاشی کرده است و به بازارچه آورده تا بفروشد و پول آن را هدیه کند به کودکی که آن سوی مرزها در آتش و در دروزگار می‌گذرانند. این بازارچه هم یکی از هزاران، شاید هم بیش از هزاران، باید بگویم میلیون‌ها بازارچه‌ای است که این روزها به نفع مردم غزه برگزار می‌شود. هر که آمده، هر چه آورده از تولیدات خودش است. بعضی هاشال، کلاه بافتی آورده‌اند، بعضی لباس‌های بچگانه آورده‌اند، بعضی‌ها جانماز و چادر دوخته‌اند و بعضی‌ها هم که سن و سال کمتری دارند، هر چه از دستشان برمی‌آمده را ساخته و به بازار آورده‌اند. یکی نقاشی کشیده، یکی دستبند و بند عینک درست کرده، یکی هم که گفتم روی صدف‌های دریایی نقشه ایران و لبنان را کشیده و آورده است.

همدلی با پول‌های قلک

با دخترک هم کلام می‌شوم. شش‌سال بیشتر ندارد. نامش زهراست و توی یک جعبه که انگار جعبه پیراهن مردانه است، صدف‌هایش را چیده و کنار یکی از میزها نشسته است. می‌پرسم این‌ها چیست؟ می‌گوید: «روی صدف‌هایی که از دریا آورده بودم، نقاشی کردم و آوردم تا بفروشم و پولشان را بدهم به بچه‌های غزه. شنیدم آن‌ها شرایط سختی دارند. دوست داشتم یک کار دستی هم برایشان درست کنم و بفروسم ولی بابا گفت نمی‌شود آنجا چیزی پست کنیم چون مثل ما خانه ندارند.» خودش هم اشکش از این جمله آخری درمی‌آید. دوستش که کنارش نشسته، دستبند‌های مروریدی دارد، می‌گوید: «من وزه‌را تصمیم گرفتیم توی این بازارچه هر چه فروختیم، بدهیم به بچه‌های غزه. تازه گفتیم اگر بازارچه دیگری هم بود خبر بدهند تا برویم. من پول این مروریدها را از توی قلکم برداشتم. این را دوست دارم بنویسد که اگر یک وقت بچه‌های غزه خوانند بفهمند که چقدر ما دوستشان داریم.»

بازارچه کنعانی

از صدف‌های نقاشی شده تا هدایا و کمک‌های نقدی

